

دانشگاه آزاد اسلامی

دکترای علوم قرآن و حدیث

رشته علوم قرآن و حدیث

عنوان

ماهیت شناسی ولایت تکوینی و تطبیق آن بر معصومین علیهم السلام

فاطمه محمدی^۱

چکیده:

ولایت تکوینی، یعنی فرمانروایی معصوم بر جهان هستی و اینکه تمام نظام آفرینش به اذن خداوند تحت حاکمیت و تصرف معصوم است. اگر آدمی از معرفت راستین و یقینی بهره ببرد، ولایت حقیقی پیدا می کند، بدین معنا که می تواند در جهان تصرف کند و با نیروی معنوی، کرامات و افعال خارق العاده از خویش بروز دهد، به طوری که علاوه بر عالم کائنات، بر آدمیان نیز سلطه و اشراف داشته باشد به صورتی که مؤمنان به آنها توسل می جویند و با برقرار ساختن ارتباط معنی با آن بزرگان هدایت و سعادت می طلبند. مقام ولایت باطنی معصومین علیهم السلام که همان منصب خلافت کبری است و واسطه میان خداوند و آفریدگان است ولایت تکوینی خوانده می شود. در این پژوهش نقش ولایت تکوینی معصومین «علیهم السلام» در تربیت فردی و اجتماعی مورد توجه است. آدمی پیچیده ترین موجود جهان هستی است

فاطمه محمدی، دانشگاه آزاد اسلامی یزد - دانشجوی دکتر، F.mohammadi@iauyazd.ac.ir

که به دلیل دارا بودن قدرت تفکر و تعقل توانسته است در عالم طبیعت تصرف نماید و آن را در اختیار خود در آورد و موجبات رفاه و آسایش خویش را فراهم نماید، امام به دلیل نقص و محدودیتی که داراست از عهده ادراک ذات وجود خود و هدف آفرینش بر نمی آید و از جهتی اصل تربیت و هدایت است که انسان را به مطلوب نهایی می رساند و بدیهی است که برای نیل به سعادت واقعی و وصول به آرامش حقیقی زندگانی جاوید باید از خالق و آفریننده خویش رهنمون بطلبند و شاید یکی از بزرگترین موانع موجود در تربیت دینی عفلت از این موضوع باشد که متولیان تربیتی با مبنای اصیل دینی آشنایی ندارند.

کلید واژه: ولایت، تکوین، ولایت تکوینی، ماهیت،

مقدمه:

محور مبانی دین، امر "ولایت" است که متأسفانه این مسأله به منزله اصلی ترین مبنا در دین در میان نخبگان علمی و تربیتی، ظهور نیافته است. بنابراین پرداختن به هر گونه تربیت دینی و الهی، جز با شناخت حقیقت ولایت، امکان پذیر نیست.

تربیت عبارت است از رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آنکه استعدادهای انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود. بهترین راه تربیت که مبتنی بر شناخت حقیقت انسان و همه نیازها و وجوه اوست، راه وحی، سنت الهی و سنت معصومین «علیهم السلام» است. از آنجا که هیچ خلقتی در جهان بدون هدایت نیست «رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» پروردگار ما کسی است که هر چیزی را خلقتی که در خور اوست داده پس آن را هدایت فرموده است (طه، آیه ۵۰)، انسان نیز نه تنها از این هدایت مستثنی نیست، بلکه هدایت او در دو مرحله انجام می پذیرد.

در نخستین مرحله، راه و بی‌راه شناسانده می‌شود و تشخیص فجور و تقوی فراهم می‌آید (هدایت رسولان و هدایت فطری) اما در نوع دیگر آن، تنها نشان دادن راه مد نظر نیست، بلکه پیمودن آن مطرح است.

هادی در این معنا کسی است که راه را برود و هدایت شونده را به دنبال خود ببرد. کسانی که در مقام عبودیت به بالاترین درجه رسیده، عنوان ولی خدا و مظهر تمامی اسماء و صفات خداوند را به دست آورده‌اند.

واژه‌های ولایت و مشتقات آن از پرکاربردترین واژه‌های قرآن کریم است که به صورت‌های گوناگون در ۲۳۳ مورد به کار رفته است. که به افزایش کاربرد این واژه‌ها، فرد دلیل اهمیت آن است معانی اصلی کلمه ولایت، قرار گرفتن چیزی در کنار چیز دیگر است، به گونه‌ای که فاصله‌ای میان آنها نباشد، از این جهت که وجود ارتباط بین امور متوالی ضروری است، به گونه‌ای که اگر بین دو شیء هیچ گونه ارتباطی وجود نداشته باشد، رابطه ولایی بین آن دو بی‌معناست.

ولایت به معنای قرب نیز بر دو قسم است: ۱- قرب اعتباری که نسبت آن مبتنی بر دو طرف است، و اگر حکمی برای یک طرف باشد، برای دیگری نیز خواهد بود (دوری و نزدیکی مکانی). ۲- قرب حقیقی اساس آن بر مضاف الیه استوار است، (مثل ظهور نور از خورشید) و در سایه اضافه، مضاف پیدا می‌شود (نور موجود شده و با خورشید ارتباط برقرار می‌کند) و نهی را به همراه دارد (برای مثال، به ولایت مؤمنان امر شده و از ولایت کافران نهی شده است)، اما ولایت واقعی و حقیقی زمامش به دست مولاست. ولایت و قرب خدا به انسان از نوع ولایت حقیقی است. از این روی، همواره قرب از ناحیه خداوند حاصل است، "نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ" (ق، آیه ۱۶). ممکن است از ناحیه انسان، قرب حاصل نشده باشد، یعنی بندگان در قرب به خدا متفاوت هستند، مؤمنان به خدا نزدیک و کافران از خدا دور هستند. بنابراین، از

لحاظ اینکه ولایت در حقیقت به معنای قرب و نزدیکی است، لازمه قرب به چیزی، تصدی و سرپرستی امور و یا نصرت و محبت خواهد بود.

با این شرایط انجام هر عملی که در ذات خود صلاحیت تقرب به خدا را داشته باشد و عامل نیز آن عمل را برای خدا انجام دهد، تحت ولایت خدا قرار می گیرد و از قرب او بهره مند می گردد. در این مسیر اولین مرحله معرفت خداوند است. انسان باید خدا را با همه اسماء حسنی و صفات جلال و جمال او بشناسد و از طریق شناخت خداوند به او نزدیک شده، سپس مظهر او گردد. چنان که امام علی «علیه السلام» می فرماید: «شناخت خدا آغاز دین است و کمال شناختش، تصدیق ذات او و کمال تصدیق ذاتش، توحید و یگانگی او و کمال توحیدش، اخلاص و کمال اخلاص او نفی صفات مخلوقات از اوست».

بنابراین غایت و مقصودی که انسان باید به آن راه پیدا کند و به آن مقام برسد، چیزی جز مقام توحید نیست و تسلیم و راضی بودن به ولایت معصومین «علیهم السلام» همام مقام توحید و تسلیم بودن در برابر ولایت خدای متعال است. زیرا چیزی در عرض تسلیم و راضی بودن به ولایت خدای متعال وجود ندارد.

معصومین «علیهم السلام» مجرای ولایت خدای متعال در عالم هستند چنانکه در زیارت جامعه کبیره می خوانیم: «پس خداوند شما را به شریف ترین مقام مکرمین و بالاترین منزلت مقربین و بالاترین درجات رسولان رساند، مقام و منزلتی که هیچ کس به آن نخواهد رسید و هیچ کس بالاتر از آن نمی باشد و کسی هم در رسیدن به آن مقام از شما پیشی نگرفته است، و هیچ کس هم طمع رسیدن به آن را در سر نمی پروراند، تا آنجا که هیچ فرشته مقرب و هیچ پیامبر مرسل و هیچ صدیق و هیچ شهید و هیچ عالم و جاهلی و هیچ پست و بالایی و هیچ مؤمن صالح یا بی ایمان شایسته ای و هیچ جبار سرکش و هیچ شیطان عصیانگری، هیچ شاهی از مخلوقات در میان همه اینها باقی نماند، مگر آنکه خداوند جلالت امر شما و عظمت موقعیت شما و بزرگی مقام شما و نور کامل شما و موقعیت های راستین شما و استواری مقام شما

و شرافت جایگاه و منزلت شما را نزد خودش و احترام شما را پیش خود و امتیازات خاص شما را نزد خود و نزدیکی مقام شما را به خودش، بر آنان مشخص و آشکار گردانید».

از دیدگاه نظام ولایت خدای متعال در وجود انسان ابعادی قرار داده است که همه آنها متناسب با هدف خلقت او (عبودیت) است. از این روی، نه تنها نیازهای فردی شخص، حتی ارتباطات اجتماعی نیز صرفاً برای تأمین نیازهای مادی نیست، بلکه تجمع و هماهنگی اراده‌ها (همدلی، همفکری و همکاری) برای غایتی است که آن غایت می‌تواند پرستش خدای متعال باشد، یعنی درک نظام اراده بزرگ، زندگی اجتماعی و حیات بشری انسان‌ها بر محور عبادت شکل می‌گیرد؛ و نظام حالات روحی و نظام جهت‌گیری‌ها و اهداف هماهنگ هستند. این وحدت اجتماعی، وحدتی ماندگار است که تا روز قیامت ادامه دارد «يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ» (اسراء، آیه ۷۱). انسان‌ها در قیامت به صورت امت و با امام خودشان محشور و وارد بهشت یا جهنم می‌شوند. بنابراین جامعه و جامعه‌پردازی فقط برای تأمین نیازهای مادی نیست و نیازهای مادی انسان نیز از نیازهای معنوی او جدا نیستند.

انسان مجموعه‌ای از نیازمندی‌هایی دارد که تناسب قرب و پرشش، در آن قرار داده شده است. بکارگیری همه این مجموعه در یک جهت با ولایت معصومین «علیهم السلام» امکان‌پذیر است.

متأسفانه هنوز معنا و مفهوم و توجه به ولایت تکوینی معصومین «علیهم السلام» در اجتماع مسلمین و حتی جامعه شیعه به طور روشن تبیین نشده است، به ویژه در عرصه تعلیم و تربیت و دانشگاه و مدارس و برنامه‌های درسی و آموزشی دینی - آن گونه در اصل دین و اعتقادات ما بیان شده است - به این مسأله نپرداخته‌اند. بنابراین لازمه است در این پژوهش به تبیین و تفهیم و گسترش هر چه بیشتر مبانی روشن و دقیق حقیقت ولایت تکوینی معصومین «علیهم السلام» و وظایف انسان نیست به آن در جامعه و بیدار سازی غافلین غیر معاند است.

به مقام قرب، البته در مراحل عالی آن، این است که معنویت انسانی که خود حقیقت و واقعیتی است، در وی متمرکز می شود و با داشتن آن معنویت، قافله سالار معنویت، مسلط بر ضمایر و شاهد بر اعمال و حجت زمان می شود.... (مطهری، ۱۳۶۹ ص ۲۸۵). این نظر با نظر جوادی همسوست.

ولایت تکوینی اولیای الهی، برگرفته از ولایت مطلقه خداوند و به اذن اوست. این اذن الله، قولی نیست، بلکه تکوینی منشعب از ولایت کلیه مطلقه الهیه است: وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَفْخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَى بِإِذْنِي (مائده: ۱۱۰).

قرآن کریم، تسخیر را مطلقاً به خداوند متعال منسوب می کند، هر چند در ظاهر، از مظاهر می نماید: وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجَبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ. وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَهُ لَبِوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ. وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ (انبیاء: ۸۱-۷۹).

این ولایت تکوینی، اقتدار نفس بر تصرف در ماده کاینات است (حسن زاده آملی، ۱۳۶۳، ص ۱۷۳). از مطالعه دقیق معانی لغوی و موارد کاربرد لفظ «وَلَّی و ولایت»، همان سخن مرحوم طباطبایی نتیجه می شود و قرآن و روایات نیز این نتیجه را تأیید می کنند. پس ولایت مورد بحث، از شئون مهم و مبادی تصرفات خلیفه الله و وجود امام شمرده می شود که به این معناست:

نحو من القرب، یوجب نوعاً من حقّ التصرف و مالکیه التدبیر (علامه طباطبایی، ۱۴۱۱، ص ۱۰) ..

لازم به ذکر است که ولایت تکوینی در کتب فریقین نیز بیان شده که در جنگ خیبر هنگامی که پیروزی به وسیله بعضی از فرماندهان لشکر میسر نشد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «فردا پرچم را به دست مردی می سپارم که خدا و رسولش را دوست دارد؛ و خداوند بر دست او پیروزی فراهم می کند؛ سپس به سراغ علی علیه السلام فرستاد، و در حالی که چشمش به شدت درد می کرد؛ خدمت حضرت آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله آب دهان به چشم او کشید و از آن به بعد هیچ گونه دردی احساس نکرد؛ سپس پرچم را به دست او

داد (و خیبر را فتح کرد)». این حدیث معروف نشان می‌دهد که پیامبر صلی الله علیه و آله با نفوذ تکوینی خود- باذن الله- چشم علی علیه السلام را شفا داد (علامه مجلسی، بی تا، ص ۲۹۸). عجیب این است که مخالفین شیعه برای عمر در کتاب هایشان ولایت تکوینی را ثابت کرده اند ولی هر وقت شیعه برای ائمه ولایت تکوینی ثابت می‌کند، سریع شیعه را مشرک می‌دانند.

نمونه ای از اثبات ولایت تکوینی برای عمر بن خطاب فخر رازی می‌نویسد: وقعت الزلزله فی المدینه فضرِب عمر الدرّه علی الأرض وقال: اسکنی بإذن الله فسكنت وما حدثت الزلزله بالمدینه بعد ذلک . روزی در مدینه زلزله شدیدی آمد و مردم ریختند بیرون و پناه آوردند به خلیفه دوم، خلیفه دوم شلاق خود را محکم بر زمین کوبید و گفت: " آرام باش به اذن خدا" زمین هم آرام شد؛ بعد از آن، زمین مدینه دیگر زلزله نگرفت (فخر رازی، بی تا، ص ۷۵).

از روایات به خوبی روشن می شود که نظریه تفویض (به طور استقلالی یا طولی) در دوران حضور امامان علیهم السلام طرفدارانی داشته است. در منابع فرق نویسی و نیز حدیثی از این گروه نام برده شده و برخی از عقاید ایشان نیز درج شده است (اشعری، ۱۳۶۰، صص ۶۰ و ۶۱) اما اینکه اینان چه کسانی بودند و رهبر آن ها چه کسی بوده است، داده های تاریخی چندانی وجود ندارد. با وجود این، برخی اهل سنت، از رهگذر این اندیشه، عالمان شیعی را متهم به تفویض کرده اند (حسینی رازی، ۱۳۶۴، صص ۱۷۶ و ۱۷۷).

یکی از روایاتی که می تواند مورد استناد باورمندان به نظریه تفویض باشد، خطبه امیرمؤمنین (ع) مشهور به «خطبه البیان» است که در برخی از منابع شیعه و سنی آمده است. عبارات این خطبه در منابع مختلف یکسان نیست، با وجود این، در تمام منابع، عباراتی وجود دارد که مؤید نظریه تفویض است. برخی از فقرات این خطبه عبارت اند از: أنا منزل الملائک منازلها،... أنا صاحب ثمود و الآيات، صاحب أزلّیه الأولیه،... أنا مدبر العالم الأول... در برخی دیگر از نسخه ها نیز این عبارات آمده است:

انا مقلب القلوب و الابصار... انا الذی اتولی حساب الخلاق... انا الغفور الرحیم و ان عذابی هو العذاب الالیم ... انا... المفوض الیه امره.... فارغ از این خطبه، صاحب مشارق انوار الیقین، خطبه ای دیگر را نیز از

امیر المؤمنین علیهم السلام نقل کرده که ایشان در آن خطبه بر این مطلب که امر بندگان به او واگذار شده، تأکید کرده است (حافظ برسی، ۱۴۲۲، ص ۲۶۸).

لذا می توان گفت ولایت تکوینی که می توان به دو گونه ولایت در تکوین (تفویض محدود) و ولایت بر تکوین (تفویض مطلق) تصور کرد؛ ولایت در تکوین امری مورد پذیرش عالمان شیعی بود و کرامات ایشان نمونه ای از همین گونه ولایت است اما ولایت مطلق آنها، شاهی بر تحقق این تفویض از آیات و روایات در دست نیست.

منابع

- ۱- اشعری، سعد بن عبدالله، المقالات و الفرق، جلد ۱، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۰.
- ۲- اصفهانی، محمدحسین، حاشیه المکاسب، ج ۲، قم: بی نا، ۱۴۱۸.
- ۳- آملی، حیدر، تفسیر المحيط الأعظم و البحر الخضم، ج ۳، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۲۲.
- ۴- -----، تفسیر المحيط الأعظم و البحر الخضم فی تأویل کتاب الله العزیز المحکم، محقق محسن موسوی تبریزی، قم، موسسه نور علی نور، ۱۴۲۲..
- ۵- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج ۱۷، چاپ دوم، قم: اسراء، ۱۳۸۹.
- ۶- -----، ولایت فقیه، قم: اسراء، ۱۳۷۸.
- ۷- -----، تفسیر تسنیم، ج ۵، قم: اسراء، نرم افزار حکیم.
- ۸- -----، ۱۴۰۷، ج ۱۲، قم: اسراء نرم افزار حکیم.

۹- -----، شمیم ولایت، چاپ سوم، قم: اسراء، ۱۳۸۵.

۱۰- حافظ برسی، رجب بن محمد، مشارق انوار الیقین، بیروت: اعلمی، ۱۴۲۲.

۱۱- حسن زاده آملی، یازده رساله فارسی، چاپ اول، بی جا: انتشارات مؤسسه مطالعات فرهنگی،

۱۳۶۳.

۱۲- حسنی رازی، مرتضی بن داعی، تبصره العوام، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: اساطیر، ۱۳۶۴.

۱۳- حسینی، سید علی اکبر، تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، دریا، ۱۳۷۸.

۱۴- ربانی گلپایگانی، علی، امامت در بینش اسلامی، بوستان کتاب قم، ۱۳۹۷.

۱۵- سبحانی نژاد، مهدی، احمدآبادی آرانی، نجمه، محمدی، آزاد، تبیین ماهیت، ابعاد و مؤلفه های

علم تربیت دینی، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال هجدهم، شماره ۱، ۱۳۹۳.

۱۶- سبحانی، جعفر، مفاهیم القرآن، ج ۱، قم: مؤسسه سید الشهدا العلمیه، ۱۴۰۷.

۱۷- صافی گلپایگانی، لطف الله، امامت و مهدویت، قم، حضرت معصوم، ۱۳۸۰.

۱۸- -----ولایت تکوینی، دفتر نشر و تنظیم آثار حضرت العظمی صافی گلپایگانی

۱۳۷۸.

۱۹- صالحپور، قدرت الله، خورشید امامت و ولایت، قم: سلمان آزاده، ۱۳۸۴.

۲۰- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه

مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷.

۲۱- طباطبایی، محمد حسین، تفسیرالمیزان، جلد ۶، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر

انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳.

- ۲۲- فاریاب، محمدحسین، جستاری در شأن ولایت تکوینی امامان علیهم السلام، فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۲.
- ۲۳- فخر رازی، تفسیر کبیر، جلد ۲۱، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ۲۴- قدردان قراملکی، محمد حسن، پاسخ به شبهات کلامی، دفتر چهارم: امامت، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- ۲۵- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۲.
- ۲۶- لطیفی، رحیم، امامت و فلسفه خلقت، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۷.
- ۲۷- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۲۷، بیروت دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
- ۲۸- محقق اصفهانی، محمد حسین بن محمد حسن معین التجار، حاشیه المکاسب، مترجم، دارالمصطفی احیاء التراث، ۱۴۱۸.
- ۲۹- مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، تهران، صدرا، ۱۳۷۱.
- ۳۰- -----، مجموعه آثار، ج ۳، چاپ دهم، تهران: صدرا، ۱۳۸۰.
- ۳۱- -----، ولاءها و ولایتها، قم، صدرا، ۱۳۶۹.
- ۳۲- مطهری، محمد مهدی، ولایت تکوینی (تصرفات تکوینی) امامان از منظر اندیشمندان مدرسه کلامی قم، با تکیه بر آراء برقی، کلینی و صدوق، دوفصلنامه امامت پژوهی، سال ششم، شماره ۱۹، ۱۳۹۵.
- ۳۳- مکارم شیرازی، پیام قران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۸.
- ۳۴- همتی، همایون، ولایت تکوینی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.